

## ویژگی‌های تصحیح دیوان سراجی

### راجندر کمار\*

استاد فرهیخته شادروان پروفیسور نذیر احمد در فن تصحیح نسخ خطی مهارت ویژه‌ای داشت. وی دوازده نسخه خطی را تصحیح کرده است. یکی از آنها نسخه دیوان سراج‌الدین خراسانی معروف به سراجی است که موضوع این مقاله به‌شمار می‌رود.

استاد در تصحیح نسخه‌های خطی روشی ویژه داشت. وی برای اثبات نظریه خود از متن نسخه خطی عبارتی یا شعری را انتخاب می‌کرد تا خواننده صریحاً به قصد وی پی ببرد. برای مثال برای اثبات این امر که سراج‌الدین اهل خراسان است استاد از دیوان سراج‌الدین چند شعر انتخاب می‌کند:

فخر بر گلهران نمود اندر هوای خدمتت      گرچه اصل پاکش از خاک خراسان در رسد  
بنده داعی سراجی آنکه اندر مدح تو      طرز الفاظش چو الفاظ خراسانی بود  
من ثنای تو به الفاظ خراسان گویم      که مرا آب و گل از خاک خراسان برخاست<sup>۱</sup>

از اشعار بالا چنین برمی‌آید که سراج‌الدین چند مدتی در مکران بوده و پادشاهان محلی آنجا را ستوده است. علاوه بر این استاد می‌افزاید که سراجی به حاکمانی چون تاج‌الدین ابوالمکارم و برادرش نصرت‌الدین ابوالخطاب را بیشتر از بقیه توجه می‌کرد و فقط در ستایش تاج‌الدین ۲۱ قصیده در دیوان سراج‌الدین یافت می‌شود.

\* استادیار فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. دیوان سراج‌الدین خراسانی، تصحیح دکتر نذیر احمد، دانشگاه اسلامی علیگره، ۱۹۷۲ م/۱۳۵۱ ش، ص الف.

بعضی اوقات استاد برای اثبات ادعای خود مطالبی از کتب تاریخی نقل می‌کند. مثلاً درباره تعیین زمان سلطنت تاج‌الدین که پیش از سال ۵۹۹ ق فرمانروای مکران بوده است، وی از طبقات ناصری نقل قول می‌کند و در این باره می‌گوید که در دیوان سراجی قصیده‌ای وجود دارد که به ظن قوی در سال ۶۰۴ یا ۶۰۵ ق سروده شده است و از آن چنین برمی‌آید که سلطنت تاج‌الدین تا اوایل قرن هفتم ادامه داشته است. این قصیده که در مدح سلطان تاج‌الدین است، در دیوان وی موجود است. استاد علاوه بر نقل قصیده یادشده اطلاعات بیشتری به خوانندگان می‌دهد. مثلاً استاد به یکی از وقایع مهم زندگی سلطان تاج‌الدین ابوالمعارج و برادرش نصرت‌الدین ابوالخطاب اشاره می‌کند و آن واقعه چنین است که این دو برادر در سرکوبی فتنه غز نقش مهمی بر عهده داشتند و حصار موسوم به سنگ را فتح کردند. سراجی در این خصوص قصیده‌ای سروده بود که در این مقاله چند بیت از آن نقل می‌شود:

به پیش لشکر تو سنگ پست آمد چو حرف جر

سپاهی چون سپاه تو چنین جرار کی باشد

حصار سنگ را قوی همی کردند حصار

حصار عنکبوتی را مگس حصار کی باشد

مبارک باد فتح سنگ و غز مقهور پیش تو

که قهر لشکر غز را چو تو قهار کی باشد

سراجی در دیوان خود علاوه بر این دو نفر، هفده نفر دیگر از شاهزادگان، امرا و وزرای دربار مکران را مدح کرده است. استاد نذیر احمد فهرست این اسامی را در مقدمه دیوان آورده است:

۱. ناصرالدین پسر نصرت‌الدین ابوالخطاب؛
۲. معزالدین سنجرشاه پسر نصرت‌الدین ابوالخطاب؛
۳. قطب‌الدین سلطان‌شاه پسر تاج‌الدین ابوالمکارم؛
۴. افتخارالدین قیصرشاه پسر تاج‌الدین ابوالمکارم؛
۵. خسروشاه پسر تاج‌الدین ابوالمکارم؛
۶. جمال‌الدین ابوالمعالی بن ابی‌الخیر وزیر نصرت‌الدین؛

۷. جمال‌الدین محمد ابوحاتم وزیر نصرت‌الدین؛
۸. سابق‌الدین سعدان بن محمود وزیر نصرت‌الدین؛
۹. وجیه‌الدین فرج وزیر نصرت‌الدین؛
۱۰. میر نورالدین عمر امیر دربار نصرت‌الدین؛
۱۱. شمس‌الدین اتابک بن ابراهیم وزیر نصرت‌الدین و تاج‌الدین؛
۱۲. حسام‌الدین امیر دربار تاج‌الدین؛
۱۳. نجم‌الدین صدر وزیر تاج‌الدین؛
۱۴. جمال‌الدین فرامرز بن یوسف امیر دربار ناصرالدین؛
۱۵. ضیاء‌الدین محمود بن ابی‌بکر وزیر مکران؛
۱۶. خطیرالدین بن محمد وزیر مکران؛
۱۷. نصرت‌الدین خورشید امیر مکران.

علاوه بر این استاد مطالبی درباره آمدن سراج‌الدین از مکران به هند بیان می‌کند. وی در این باره می‌نویسد که در دیوان سراجی دو قصیده در مدح سلطان ابوالفتح سالار موجود است و در یکی از آنها نام او و پسرش هزبرالدین نیز آمده است و از این اشعار پیداست که سراجی از مکران به درگاه سلطان ابوالفتح رسیده است. چنانکه گوید:

خسروا بنده سراجی مدح گویان بنده‌وار پیش تو از بارگاه شاه مکران می‌رسد  
و در قصیده دیگری به مدح ابوالفتح پرداخته است:

شاه جم مرتبه سالار ابوالفتح که اوست آنکه جز خاک درش تاج فریدون نشود  
سالها شد که مرا آرزوی خدمت توست این تمنّا به من دل شده مقرون نشود<sup>۱</sup>

استاد در ادامه می‌نویسد که سراجی پس از ورود به دربار شمس‌الدین التتمش پادشاه معروف دهلی (۶۰۷-۶۳۳ ق)، به مدح بزرگان آن دربار پرداخته است که معروف‌ترین آنها نظام‌الملک قوام‌الدین محمد جنیدی وزیر آن پادشاه است که محمد عوفی کتاب خود به نام *جوامع‌الحکایات* را به او تقدیم کرده بود<sup>۲</sup>.

۱. دیوان سراجی، ص ت.

۲. همان، ص ت.

سراجی نام بسیاری از امرا را در دیوان خود نقل کرده است و استاد نذیر احمد فهرست کامل این اسامی را در مقدمه خود ضبط کرده است:

۱. ضیاءالدین محمد بن جنیدی (ظاهراً پسر نظام‌الملک محمد جنیدی).
۲. شهاب‌الدین مجدالملک محمد بن محمد جنیدی (به ظاهر پسر محمد جنیدی).
۳. حسام‌الدین اغلبک؛
۴. عزالدین بختیار بن احمد؛
۵. مؤیدالدین قراسنقر؛
۶. فخرالدین شرف‌الدین ابومحمد؛
۷. شیخ صفی‌الملک تگین؛
۸. تاج‌الدین ابوبکر بن حسین؛
۹. صدر حمیدالدین؛
۱۰. ملک‌التجار نجم‌الدین عبدالرحیم.

سراج‌الدین در سال ۶۲۸ ق به سفر حج رفت. استاد نذیر احمد نظریه استاد سعید نفیسی را در این مورد درست نمی‌داند و می‌نویسد سعید نفیسی حدس زده است که او از مکران به عربستان مسافرت کرده و از آنجا به هند رهسپار شده است. اما این حدس درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا سراجی پیش از این تاریخ (۶۲۸ ق) در دهلی بود و ممکن نبود که به مدح ناصرالدین محمود پرداخته باشد که در سال ۶۲۶ ق فوت شده است.<sup>۱</sup> منظور من از نقل این موارد این است که روشن شود استاد راجع به هر مطلبی نظر خاصی داشت و آن را با دلایل تاریخی اثبات می‌کرد. همان طور که درباره نظر استاد سعید نفیسی مطالبی بیان کرده است.

استاد در ادامه می‌نویسد که سراجی پس از سفر حج بار دیگر به هند بازگشته است و با ارائه قصایدی از دیوان وی این ادعای خود را ثابت می‌کند. درباره تاریخ درگذشت سراج‌الدین اطلاعی در دست نیست.

---

۱. دیوان سراجی، ص ج.

استاد فردی کوشا و پرتلاش بود. داستان زیر نشان‌دهنده این تلاش استاد است: استاد نفیسی نسخه‌ای را در اختیار استاد قرار داد که ورق اول آن شامل سیزده بیت مفقود شده بود. پس از چندی همین قصیده در کتاب *مونس‌الاحرار* پیدا شد و بدین ترتیب استاد توانست نقص نسخه استاد نفیسی را جبران کند. استاد در یکی از بیاض‌های موجود در موزه بریتانیا به قصیده‌ای برخورد که در مدح حسام‌الدین اغلبک سروده شده بود و شاعر آن سراجی نام داشت. امیر مزبور در دربار قطب‌الدین ایبک و شمس‌الدین التتمش بوده است و استاد نظرشان بر این است که این سراجی همان سراجی خراسانی مورد بحث ما است. به‌همین دلیل استاد این قصیده را نیز در دیوان قرار داد. استاد درباره قصیده دیگری چنین می‌گوید:

«یک قصیده دیگری به‌مطلع زیر "بگشای در که روضه رضوانم آرزوست" به‌عنوان به‌سراج‌الدین سیستانی بیاض محمد بن یغمور است که در قرن نهم در ترمذ گردآوری شده بود و تنها نسخه آن در کتابخانه دولتی مخطوطات شرقی مدراس زیر شماره ۱۸۳ (مخطوطات فارسی) نگاهداری می‌شود. این قصیده در مدح خسرو ایران شاه قلیج خان خسرو معزالدین می‌باشد. اگرچه در میان ممدوحان سراجی ممدوحی بدین نام یافته نمی‌شود، چون این منظومه شامل بیاض قدیمی است، بنابراین بنده این را شامل دیوان سراجی نموده‌ام»<sup>۱</sup>.

علاوه بر تطبیق نسخه مورد نظر استاد متن یا اشعار آن را با تذکرها نیز مقایسه می‌کرد. مثلاً استاد در مقدمه دیوان، صفحه نخست می‌نویسد که چند بیت از این قصیده همراه این بیت در تذکره روز روشن نقل شده است. یعنی استاد فقط به شواهد نسخه‌های خطی اکتفا نمی‌کرد، بلکه به تذکرها، فرهنگ‌ها یا کتب تاریخی نیز رجوع می‌کرد. استاد گاهی اوقات ضمن تصحیح متن، معنی الفاظ را با سند فرهنگ توضیح می‌دهد. برای مثال یک شعر نقل می‌شود:

مصطفی در زینهار فضل حق و ز راه لطف هر دو عالم آمده در زینهار مصطفی<sup>۲</sup>

۱. دیوان سراجی، ص ۵.

۲. همان، ص ۲.

در شعر بالا زینهار به معنی امان آمده است. استاد برای تشریح معنی زینهار شعری از فرهنگ آنندراج نقل می‌کند «دهند ازو ملکان زهر خورده را زینهار»<sup>۱</sup>. در دیوان سراج‌الدین سراجی در شعری کلمه ضیمران به کار برده شده است. آن شعر چنین است:

ای سرزلفین جانان بر بناگوش چو گل

دلفریب و سبز و تر چون ضیمران بینم ترا<sup>۲</sup>

استاد کلمه ضیمران را ریحان معنی کرده و برای اثبات قول خود از دیوان مسعود سعد سلمان شعری را در پاورقی آورده است:

زمین را به‌دیبا بیاراستند که روید همی لاله و ضیمران

استاد نذیر احمد در تصحیح دیوان سراجی از کتاب‌های تاریخ بیهقی، راحة الصدور، دیوان انوری، دیوان سید حسن، دیوان کمال اسماعیل، دیوان معزی، صحاح الفرس ناصر خسرو، دیوان جبلی، برهان، فرهنگ جهانگیری، رشیدی، دیوان عنصری، دیوان سنایی و غیره استفاده کرده است. دیوان چاپ شده سراجی ۳۵۲ صفحه دارد؛ ولی استاد تعلیقات آن را در ۲۰۵ صفحه مفصلاً نوشته است.

۱. دیوان سراجی، ص ۲.

۲. همان، ص ۴.